

## آیین شیطان پرستی

ند متعال در چند آیه قرآن کریم بندگان خود را از پرستش غیر خداوند برحذر داشته و فرموده است : « لا تعبدوا الا الله » . اما جمعی از مشرکان بودند که جن را می پرستیدند و عده‌ای فرشتگان را و برخی شیاطین را پرستش می نمودند . آنان نمی توانستند خدا را از جن تمیز دهند و جن را خویشاوند خدای سبحان می پنداشتند . به نظر مشرکین خواندن هر اسمی از اسماء خداوند ، پرستیدن همان اسم است ، یعنی پرستیدن ملك و جن که مظهر آن اسم است . و همان جن و ملك معبود آن عبادت است و تعداد خدایان از همین ریشه گرفته است .



### آیین شیطان پرستی

خداوند متعال در چند آیه قرآن کریم بندگان خود را از پرستش غیر خداوند برحذر داشته و فرموده است : « لا تعبدوا الا الله » . اما جمعی از مشرکان بودند که جن را می پرستیدند و عده‌ای فرشتگان را و برخی شیاطین را پرستش می نمودند . آنان نمی توانستند خدا را از جن تمیز دهند و جن را خویشاوند خدای سبحان می پنداشتند . به نظر مشرکین خواندن هر اسمی از اسماء خداوند ، پرستیدن همان اسم است ، یعنی پرستیدن ملك و جن که مظهر آن اسم است . و همان جن و ملك معبود آن عبادت است و تعداد خدایان از همین ریشه گرفته است .

دکتر ایزوتسو در کتاب خدا و انسان در قرآن نیز بر این مطلب که شیاطین و جن‌ها از سالها قبل از اسلام پرستیده می‌شده‌اند مهر تأیید زده است . با ظهور اسلام ، فرشتگان ( وجنیان ) عنوان آفریدگان محض پیدا کردند و از این لحاظ هیچ تفاوتی با موجودات بشری نداشتند و آفرینش آنان برای آن بود که عبادت خدا کنند و بندگان خاضع و فرمانبردار خدا باشند. هم اکنون نیز عده ای هستند که در بعضی کشورها شیطان پرست هستند.

### عقاید و محل سکونت شیطان پرستان :

باعرض تأسف هنوز هم شیطان پرستی در این جهان به اصطلاح پیشرفته وجود دارد و طرفدارانش در جاهای مختلفی از جهان پراکنده اند و بیشتر آنان در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند . یزیدیان در زمان معاصر ، ابلیس را می پرستند . محل زندگی اکثر آن ها «در ولایت موصل عراق و ناحیه شیخان» که مهد دولت آشوری بود می باشد . دسته دیگر «مقیم کردستان و 2 آبادی حوالی حلب و ناحیه سنجار» در 160 کیلومتری موصل و بعضی هم «در ارمنستان و ایروان و اطراف تغلیس و قسمتی هم در جنوب ایران» ساکنند . ولی از جهت اینکه یکی از برنامه‌های آیین آنها مخفی نگه داشتن مذهب خودشان است ، اطلاعات کافی از ریشه و برنامه دین آن ها در دست نیست .

### آثار ادیان مختلف در آیین شیطان پرستان :

« اسپروا » مستشرق معروف در مورد اعتقاد یزیدیان می نویسد : آثار ادیان مختلف در آیین شیطان پرستان پدیدار است! مثلاً از آداب بت پرستی ، فقط از پرستش خورشید و ماه در ذهن آنها باقی است و از آثار دیانت یهود حلیت و حرمت بعضی از خوراکیها و از آثار مسیحیت ، خاصه عقاید نسطوری ، غسل تعمید و نان مقدس و زیارت کلیسا و صرف شراب در میان آن ها باقی است و از عناصر اسلامی ، ختنه ، قربانی ، زیارت و کندن کتیبه ها بر قبور موجود است .

### دستهای پنهان و آشکار صهیونیسم و آمریکا در پیدایش شیطان پرستان :

دولت های استعمارگر و قدرت های استکباری سابقه ننگین و سیاهی را در ایجاد و پرورش مذاهب ساختگی و دامن زدن به اختلاف های مذهبی و فرقه ای در کشورهای اسلامی دارند . 85 نفر دختر و پسر جوان مصری در میان دانشگاه های مصر ، سازمان و فرقه ای را جهت تبلیغ شیطان پرستی بوجود آورده اند . متهمان تاکید کرده اند که در پیدایش شیطان پرستی و افشاندن بذر این فرقه باطل در مصر ، آمریکا و اسرائیل نقش بزرگی به عهده داشته اند . افکار و عقاید پیروان گروه شیطان پرستان که بر اساس آنچه تحقیقات نشان داده است ، وابسته به طبقه ثروتمند و مرفه مصر و از آن جمله فرزندان برخی از مسئولان بلند پایه سیاسی ، هنرمندان و روزنامه نگاران هستند . عقاید آنان بر این اساس استوار است که خداوند به شیطان ظلم کرده و بدون این که به او اجازه دفاع از خود بدهد ، او را از بهشت بیرون کرد ، از این رو باید او را پرستش کرد . زیرا به گفته آنان او برای پرستش ، شایسته تر از خداست ، چون با شجاعت با خدا مخالفت کرد .

### مراسم نیایش شیطان پرستان :

این گروه مراسم و برنامه های خاص نیایش دارند که بارزترین آنها بدین قرار است : اعضای این گروه به گورستانها و مخصوصاً به گورستان « کومنولث » شهرک مصر در قاهره می رفتند و اجساد مردگان را از قبرها بیرون می آوردند و صلیب شکسته و ستاره شش پر داودی یا ستاره پنج پر را در جسد مرده فرو می کردند و سپس برای تقرب به شیطان دور آن می گشتند .

همچنین قربانی هایی برای شیطان تقدیم می کردند که عبارت بود از ذبح گربه ماده یا سگ ، که پس از کشتن این حیوانات خون آن ها را به صورت و دستهای خود می مالیدند و دور يك دایره می چرخیدند ، تا شیطان از آن ها راضی شود و اگر حیوانی برای قربانی نمی‌یافتند دست خود را زخمی می کردند تا خون جاری شود ، و سپس خون را به صورت خود می مالیدند و آنگاه نسخه ای از قرآن را پاره پاره می کردند و بعد در حالی که صدای موسیقی مشهور « راک » نواخته می شد ، به استقبال مواد

مخدر و حشیش می رفتند .

از دیگر ویژگی ها و اعتقادات این گروه برگزاری مراسم در روزهای شنبه که از نظر یهود مقدس است و همچنین تجاوز به دختران در دو مکان ، یکی در گورستانها و دیگر در ساحل دریا هنگام شب است. آنان معتقدند که با تجاوز به دختران ، تخم شیطان را در رحم آنان قرار می دهند .

از علائم این فرقه ، گردنبندی است به این شکل : دایره ای درون ستاره ای وارونه به اضافه دو صلیب وارونه و ستاره داوودی و پوشیدن زیرپوشهایی که بر روی آن ها ناسزا واهانت به ذات مقدس پروردگار و ادیان آسمانی نقش بسته است می باشد .

### موسیقی شیطانی

فراماسون ها احیاکننده جادوگری و شیطان پرستی در قاره اروپا در قرن شانزدهم میلادی هستند.

در دهه 1960 م شیطان پرستی توسط سرمایه داران یهود مورد حمایت قرار گرفت و چند گروه شیطان پرست در انگلستان و ایالات متحده آمریکا به وجود آمد که معروف ترین آن ها تشکیل «کلیسای شیطان» در شهر سان فرانسیسکو می باشد. امروز دیگر صلیب های وارونه، ستاره پنج پر، 666، صورتهای نقاشی شده، ماسک های حیوانات درنده شاخ دار، برهنه پوشی... تنها نشانه ها و سمبل های شیطان پرستی نیست.

عمده ترین نشانه شیطان پرستی را در تجاوز و قتل به ویژه در تجاوز به کودکان و نوجوانان باید دید. شیطان پرست ها موظفند همیشه خشم و نفرت خود را نسبت به مسیح و سایر مقدسات اعلام کنند.

استفاده از موسیقی مهمترین ابزار این فرقه در جهت تبلیغ عقاید خود و نیز تحت تأثیر قرار دادن جوامع به خصوص قشر جوان است. گاه این گروه ها خود ادعان می کنند که شیطان پرست هستند و گاه برخی از آنان این ادعا را نکرده ولی به تضعیف بنیان های ارزشی و دینی دیگران و تبلیغ افعال شیطانی می پردازند

با توجه به وفور موسیقی های مبلغ این گروه ها و رویکرد برخی جوانان به این نوع موسیقی ها و حتی چاپ کتاب حاوی متن این موسیقی ها و سرمایه گذاری زیاد دشمن در این باره بررسی و تحقیق پیرامون این موضوع و اطلاع رسانی و آگاهی سازی افکار عمومی امری ضروری به نظر می رسد.

سعی می شود در این بخش به بررسی برخی از این موسیقی های شیطانی و شیطان پرستی تا حد ممکن به گونه ای که ترویج فساد و تبلیغ این گروه ها نشده و تا حد مورد نیاز جهت اطلاع رسانی و آگاهی شما مخاطب محترم، پرداخته شود.

### 1 - موسیقی رپ

تاریخچه:

«RAP، فرهنگی که خصوصا به جوانان سیاه و اقشار تحتانی در جوامع غرب تعلق دارد، از آمریکا سرچشمه گرفته و شورشگران سراسر جهان را تحت تأثیر قرار داده است موسیقی RAP از تکامل اشکال دیگری از موسیقی سیاهان در محله های فقیرنشین برانکس نیویورک و تا حدودی هارلم شکل گرفته است. این محلات، نقطه تمرکز گروههایی از سیاهان است که سالها پیش تحت شرایط فلاکت بار اقتصادی مجبور به مهاجرت از ایالات جنوبی به شهرهای بزرگ نظیر نیویورک شدند.

اواخر دهه 1960، وقتی که آمریکا زیر ضربه مبارزات انقلابی در کشورهای تحت سلطه اش، خصوصا ویتنام، قرار داشت و انقلاب چین نیز بر شورشگران و انقلابیون در ایالات متحده تاثیر نهاده بود در شهرهای بزرگ آمریکا تضادهای طبقاتی میان سیاه با بورژوازی امپریالیستی و پایه های اجتماعی حدت و شدتی فوق العاده یافته بود. بین محلات فقیر نشین سیاه با سایر نقاط شهر نیویورک، چیزی شبیه به خط مرزی وجود داشت. خط مرزی شاهد درگیری میان دسته های متشکل سفیدهای نژاد پرست و پلیس از یکطرف با گروه های بزرگ و متشکل جوانان سیاه بود. گروه های RAP از دل همین تشکلات شورشی سیاه شکل گرفت.

در اینجا قسمتی از نخستین ترانه RAP اعتراضی که از معروفیتی بین المللی برخوردار گشته و "پیام" نام دارد را می خوانیم. این ترانه از آثار "گرند مستر فلش" و گروه "فوربوس فایو" است. این ترانه حکایت شرایط نابسامان طبقه های فقیر نشین جامعه است:

دستم را بروی اسلحه ام می فشارم، چرا که قصد جانم را کرده اند مرا هل ندهید، دیگر جان به لبم رسیده می کوشم به سیم آخر نزنم اینجا درست مثل یک جنگل است و بعضی وقتها تعجب می کنم که چگونه می توان جان سالم بدر برد»

در همان سالهای نخستین شکل گیری رپ با دخالت قدرتمندان، هدفهای سیاسی و اجتماعی گروه های سیاهپوست، دستخوش نوعی تحریف گردیده و در نتیجه به ابزاری در دست سیاستمداران و صهیونیسم تبدیل شدند. در طول مدتی که رپ شکل می گرفت، عناوین مختلفی از این نوع موسیقی توسط موزیسین ها بوجود آمد که با پیوستن خوانندگان معروفی به این گروه موسیقی رپ طرفداران زیادی را به خود جلب و جذب نمود.

رپ نسبت به گروههای دیگر طرفداران بیشتری دارد و جوانان علاقمند به موسیقی آن گوش می دهند و براساس مدلهایی که به آن ها الهام می شود، لباس می پوشند و آرایشهای ظاهری رپ را برمی گزینند.

شلوارهایی که پاچه گشاد آن بر روی زمین کشیده میشود، مانتوهای با آستین های بلند، موهای روغن زده و چسبیده بر سر، عینک های دودی با قالب فلزی، خط ریش پایین تر از گوش پسران و روسریهای کوچک و معمولا سفید رنگ دختران، ویژگی ظاهری گروه رپ است.»

برخی از گروههای زیر مجموعه رپ عبارتند از:

1 - BASE OF ASE: در سبک موسیقی پاپ از سال 1988 در آمریکا و اروپا برنامه اجرا می کردند. اعضای این گروه چهار خواننده سیاهپوست هستند که عموماً محور اشعارشان پیرامون عشق و روابط آزاد غیراخلاقی می باشد.

2 - BLACK THE OF KIDS NEW: از سال 1987 برنامه اجرا می کنند، آهنگهای آن ها بسیار تند و با مضامینی درباره عشق و زندگی اجرا می شوند. خوانندگانی بنامهای کوئین و جیمی به همراه دو سیاه پوست دیگر که همگی هم جنس باز هستند عضو این گروه می باشند

ب - موسیقی متال:

موسیقی متال دارای زیر مجموعه های زیادی است که برخی از آنان جز مهمترین گروههای شیطان پرست محسوب می شوند مانند هوی متال و بلک متال و... Metal Black.

بلک متال در نروژ از زمانی پدید آمد که نئو وایکینگهای نروژ در جستجوی راه و وسیله ای برای نابود کردن مسیحیت در نروژ و بعد در تمام دنیا بودند و در این راه انسان های بسیاری را کشتند و کلیساهای زیادی را آتش زدند، بلک متال را تا نهایت نواختند تا شاید خدای تاریکی ها باز گردد. موسیقی که سخن از دنیای تاریک سرد و بی روح را بیان می کند سبکی مملو از خشونت مرگ و کشتار (METAL DEATH). مرگ، یگانه حقیقتی است که راه فراری از آن نیست. ایده مرگ در نزد شیطان پرستان به دو دسته بسیار عمده تقسیم می شوند:

- دسته اول کسانی که خودآگاهانه مرگ و ماندن در جهنم را ترجیح می دهند.

- دسته دوم کسانی که منکر مرگ می شوند و بر این گمانند که پرستش شیطان کفایت می کند تا او آنان را از چنگال مرگ رهایی بخشد و عمری جاودان نصیب آنان گرداند. دسته اول خطرناکترند زیرا آگاهانه به جنگی نامقدس در برابر خداوند روی می آورند. جنگی که می دانند در آخر به شعله های آتش ختم می شود. آنان گناه را زینت درونی انسان تصور می کنند. به مرحله ای می رسند که دیگر گناه برای زندگی آنان از آب و نان نیز ضروری تر می شود تا درجه ای که دیگر چیزی به جز گناه نمی بینند؛ گناه، گناه، گناه. به هر گناهی دست می زنند. ربا، قتل، دروغ، تهمت، دزدی، شرب خمر، هتاکی به مقدسات و مومنین، اعمال منافی عفت.

تعداد زیاد دیگری از سبکهای متال وجود دارد که هر کدام دارای خصوصیات خاص خود هستند اما وجه اشتراک بسیاری از آنان عبارت است از رواج خشونت و فحشا.

توماس فردمن تحلیلگر سیاسی آمریکا می گوید:

«جنگ با این دشمن (اسلام) با ارتش ممکن نیست؛ بلکه باید در مدارس، مساجد و کلیسا ها و معابد به رویارویی با آن پرداخت و در این راه، جز با همکاری روحانیون، کشیشان و راهبان نمی توان به پیروزی دست یافت.»

ملاحظه:

یک روز رپ امروز متال و به زودی متال در حال انقراض و گروههای دیگری در حال شکل گیری است و همه و همه برای تحقق گفته توماس فردمن امریکایی و رسیدن به اهداف و اراض شیطانی آن هاست.

### یوفر - «الوهیم»

بعد از دهه 1950 م با تألیف رمان و تولید فیلم درباره ی بشقاب پرنده های افسانه ای در ایالات متحده آمریکا و انگلستان، چند گروه غیرمتداول مذهبی که این افسانه را به شکل مذهب ترویج می کردند، در این کشورها به وجود آمدند. اعضای این گروه ها را سفیدپوستان تشکیل می دهند و خود را «اخوت بزرگ سفیدپوستان» می نامند. رهبران این گروه ها ادعا می کنند که با افراد ماورای زمین در ارتباطند و اعتقاد دارند انسان های ماورای زمین از انسان موجود در زمین برتر می باشند و انسان روی زمین توسط نژاد برتر ماورای زمین به نام «الوهیم» خلق شده اند. این گروه ها این موضوع را ترویج می کنند که انسان به سبب کنار گذاشتن تمامی اعتقادات دینی و بهره وری از لذات جنسی می تواند به کمال برسد و از این رو آنها به شدت طرفدار «شبه سازی انسان» هستند؛ موضوعی که توسط تمامی ادیان و سازمان های بین المللی شدیداً محکوم شده است.

گفتنی است «الوهیم» یکی از نام های خداوند سامی است و مرکز فعال ترین گروه یوفر معروف به رایبل در فلسطین اشغالی واقع شده است. این گروه معتقد است 144000 عضو تکامل یافته آن ها بر دنیا حکومت خواهند نمود.

در سال 1994، 1995 و 1997 م در کشورهای کانادا و سوئیس تعدادی از پیروان گروه «معبد خورشید» برای انتقال به سیاره خیالی خود دست به خودکشی دسته جمعی زدند. اعضای این گروه خود را «نات تیمپلر» در عصر حاضر می دانند.

در روز 22 مارس 1997 م، 39 نفر از اعضای یکی دیگر از گروه های یوفر به نام «باب بهشت» در کالیفرنیا دست به خودکشی زدند تا با کمک بشقاب پرنده به جهان دیگر منتقل شوند. در سال های اخیر نیز تولیدکنندگان اصلی فیلم در هالیوود - که یهودی و طرفدار رژیم صهیونیستی هستند - چند فیلم و مجموعه ی تلویزیونی را درباره ی «جنگ دنیاها» و «جنگ ستارگان» تولید کردند که در آن ها علاوه بر ترویج اعتقادات افسانه ای یوفر، برتری سفیدپوستان و قدرت نظامی ایالات متحده آمریکا را به نمایش گذاشتند.

### گروه bathory

این گروه از گروههای بلک متال با موسیقی سرد، خشک و تاریک که نشأت گرفته از رسوم و عقاید خشک اسکاندیناوی به همراه اشعاری که بیشتر بر پایه وطن پرستی، دفاع از عقاید و رسوم اجدادشان وایکینگ ها و شیطان پرستی می باشد. گروه bathory در سال 1983 توسط quorthon که گیتاریست گروه محلی پانک بود در شهر استکهلم سوئد پایه ریزی شد. نام

bathory برگرفته از اسم الیزابت باتوری ملکه خونخوار انگلیس است.  
:Quorthon

پایه گزار این گروه شیاطینی که در آن زمان فقط 15 سال داشت با حمایت کمپانی های بزرگ بین المللی اقدام به نواختن و ضبط آهنگ هایی با مضامین شیطان پرستی نموده و آلبوم های مختلفی را ارائه داده است. Quorthon در مصاحبه ای عقاید خود را چنین بیان می کند.

«ساخته های من همه از اپرا الهام می گرفت ولی در کنار آن ها عقاید شیاطینی هم اضافه می شد. البته من یک شیطان پرست نبودم ولی همیشه دوست داشتم طبق عقاید شیطان پرستی آهنگ بسازم و شاید دلیل اصلی نفرت من از مسیحیان و مبارزه با آنان به خاطر ظلمی که به اجداد ما واپسینگ ها کرده اند باشد.»

### گروه Immortal

گروه بلک متال نروژی Immortal در سال 1990 توسط Abbath پایه گذاری شد. این گروه پیش از این به طور غیر رسمی با نام "Amputation" فعالیت می کرد. تمام فکر، ایده و تصور کلی حاکم بر گروه، بر مبنای کلمه ی «بلاشیرخ» (Blashyrkh) پایه گذاری شده بود. Blashyrkh نام سرزمین های خاص ذهنی بود که Demonaz و Abbath در ذهن خود ساخته بودند در واقع Blashyrkh قلمروی افسانه ای برای شیاطین بود با سرشت شوم و ترسناک و سرزمینی با طبیعتی سرد و کولاک. این گروه به وسیله ی لیل فرانسوی "Records Listenable" و "Productions Osmose" حمایت شد، و آهنگ های مختلفی ساخت. "Black in Damned" آلبومی حیوان صفت و وحشیانه تر در مقایسه با آلبوم های قبل این گروه است که با کمک کمپانی Osmose ساخته شد و پس از این با حمایت کمپانی آلمانی Blast Nuclear برای یک آلبوم جهانی اقدام کردند.

### گروه NORTT

موسیقی پر از ابهام و وحشت، معتقد به تباهی و فساد در نفسی پر از نفرت از مرگ به تاریکی رسید . اشعار Nortt توسط خودش نوشته شده و بر پایه عقاید نیهیلیسم و انارشسیسم (ضد انسانی) شکل می گیرد. موزیک های Nortt مملو از یأس از زندگی است. بعضی از آلبوم های Nortt بقدری مخرب و ضد بشری است که بعضا شکایت چندین موسسه و کلیسای مذهبی دانمارک (این کشور ضد دین را) به دنبال داشته است و عمدتا کمپانی های آمریکایی مثل: (American Nortt) حامی و پشتیبان این گروه می باشند.

ملاحظه:

ردپای آمریکا و صهیونیسم در بسیاری از کمپانی های حامی و پشتیبان گروه های شیاطینی گاه علنی و گاه غیر علنی دیده می شود، آیا نمی شود برداشت کرد صحنه گردان اصلی این گروه ها صهیونیست ها و آمریکایی ها هستند، به راستی صهیونیست ها و آمریکایی به دنبال چه هستند که این همه هزینه می کنند؟

### گروه Sovereign

درسال 1993 دو عضو گروه "Shadowed" تصمیم گرفتند تا يك گروه بلك متال در شهر Lappeenranta در کشور فنلاند به راه بیندازند... با افزایش اعضای گروه، Horna به وجود آمد...

سال 1997 اولین آلبوم کامل گروه به نام Hiidentorni با سرمایه گذاری شرکت Solistitium بیرون آمد.

اواخر سال 1997 دومین آلبوم گروه به نام Nousua Yhdeks?n Kohti با سرمایه گذاری شرکت Solistitium ارائه شد.

سال 1998 سومین آلبوم گروه به نام Maille Haudankylmyyden با سرمایه گذاری شرکت Solistitium

نوع خواندن و نواختن این گروه جنون آمیز خشم و وحشت در آهنگهای این گروه موج می زند.

این گروه در سال های 1999 و 2001 و 2003 با سرمایه گذاری شرکت های مختلف البوم های دیگری به بازار عرضه می کند.

ملاحظه:

عمدتا این گروه ها با سرمایه گذاری و حمایت شرکت های بزرگ تقویت شده و پشتیبانی می شوند

آیا برآستی این شرکت ها هدفی غیر از کسب درآمد را دنبال می کنند!!؟

آیا برآستی تشکیل دهندگان این گروهها با زیچه کارتلها و تراست های بین المللی نشده اند؟

آیا حامیان و سرمایه گذاران بزرگ این گروهها تولیدات آن ها را که ترویج خشونت و بی بندباری می کند را در منازل خود نیز استفاده می کنند؟

بدون شک چنین نیست آنچه که در نگاه اول به ذهن می رسد کسب درآمد و تاراج اموال بین المللی به هر قیمت حتی با فنا کردن هزاران هزار بلکه میلیون ها نفر انسان است.

### لاویان و فرقه های شیاطینی

- این خصوصیت اخلاقی همان است که ما در فرهنگ اسلامی به عنوان مختصات شیاطینی می شناسیم. عملکرد شیاطینی همین است.

نقش اسطوره های دینی و تاریخی در زرسالاری یهودی بسیار مؤثر است و فرهنگ جدید آن ها را شکل می دهد. يك نمونه همان اسطوره استر و مردخای است. تقریبا می توان گفت تمام عملکردهایی را که شیاطینی می نامیم بر يك اسطوره مبتنی است و به وسیله آن توجیه می شود. در زمینه ترویج هرج و مرج جنسی، که در عهد عتیق موارد آن را فراوان و عجیب می توانیم پیدا کنیم و با توجه به این که این متون به عنوان "کتاب مقدس" شناخته می شود طبعاً این موارد سرمشق قرار می گیرد. این اسطوره های شیاطینی از مهاجرت حضرت ابراهیم (ع) از وطن ایشان، شهر اور (واقع در جنوب بین النهرین)، به مصر

شروع می شود. طبق مندرجات این "کتاب مقدس"، زمانی که ابراهیم و همسرش، سارا، به مصر می رسند برای فرعون خیر می برند که يك زن بسیار زیبا همراه ابراهیم است. و ابراهیم هم برای اینکه زیبایی سارا برایش "خیریت شود" او را به عنوان خواهر خود معرفی می کند و از این طریق صاحب ثروت فراوانی می شود که منبع اولیه ثروت بنی اسرائیل است. مطالبی که عرض شد عین فقرات "سفر پیدایش" است. از این موارد بسیار زیاد است. تعمق در این موارد ثابت می کند که افرادی نسبت به یکتا پرستی و دین حضرت موسی (ع) عناد عجیبی

داشته اند و به دستکاری در این متون پرداخته اند و اسطوره های شیطانی را وارد آن کرده اند. می دانیم که طبق تعالیم عهد عتیق قبیله لاوی (لوی) در میان بنی اسرائیل سمت کاهنی دارد و اصولاً يك کتاب مخصوص آن ها نوشته شده به نام "سفر لاویان". امروزه برخی از محققین تاریخ ادیان معتقدند که این طبقه لاویان در اصل مصری بودند که در میان بنی اسرائیل نفوذ کردند و خاندان های کاهنان (لاویان) را ایجاد نمودند. یکی از دلایلی که برای اثبات این نظر اقامه می شود رواج نام های مصری در میان لاویان است.

اگر در تاریخ یهودیت تعمق کنیم، متوجه می شویم که خاندان های لاوی (لوی) تا امروز نقش عجیبی داشته اند. شاخه ای از این خاندان ها نام لوی یا لاوی را بر خود دارند و بعضی با نام کوهن یا کاهن و اسامی شبیه به این شناخته می شوند. یکی از تاریخچه های 800 ساله مدون برای خاندان لاوی نشان می دهد که از قرن سیزدهم میلادی در اسپانیا شروع می شود و تا امروز ادامه می یابد. اولین فرد سرشناس در این تاریخچه تودروس ابولافی است که رئیس و خاخام یهودیان کاستیل و لئون بود. د یهودیان او را از خاندان سلطنتی یهود می دانستند. این خانواده در طول قرون بعد نقش بسیار مهمی در جنگ های صلیبی اسپانیا به سود حکمرانان شمال اسپانیا و علیه مسلمانان ایفا کرد و از همان قرن سیزدهم با فرقه شهسواران معبد رابطه نزدیک داشت. و همین خاندان لاوی بود که طریقت رازآمیز تصوف یهودی به نام کابالا را ایجاد کرد. در کتاب زرسالاران به طور مشروح درباره طریقت کابالا و کارکردهای سیاسی و تأثیرات بزرگ آن بحث شده و نشان داده شده است که از این سرچشمه کابالیستی در طول قرون بعد فرقه های رازآمیز و پنهان فراوانی بیرون آمده که فراماسوری یکی از آن ها ست. در طی این قرون اعضای خاندان لاوی (لوی) همیشه فرقه سازان بزرگی بوده اند. يك نمونه ناتان غزه ای است که در قرن هفدهم ادعای پیامبری می کرد و در ایجاد موج جدید اسلامی شابتای زوی و تأسیس فرقه دونه بسیار مؤثر بود. ناتان از خانواده لوی بود و نظریه پرداز شابتای زوی محسوب می شد. دونه ها یهودیان جدیدالاسلام بودند که يك فرقه مخفی ایجاد کردند و نقش مهمی در فروپاشی دولت عثمانی و تأسیس جمهوری ترکیه ایفا نمودند. ناتان غزه ای به پیروانش می گفت که مسلمان شدن شابتای زوی يك مأموریت مسیحایی است مشابه با مأموریت جاسوسی که به درون سپاه دشمن اعزام شده برای تسخیر آن از درون. به این دلیل است که منابع یهودی مکتب جدیدالاسلامی شابتای زوی و ناتان غزه ای را "ارتداد رازگونه" می خوانند یعنی آن گونه ارتداد از دین یهود که راز و رمزی در آن نهفته است. کمال آتاتورک به یکی از خاندان های دونه تعلق داشت. این نقش فرقه سازی امروز هم ادامه دارد. در سال های اخیر فرقه ای تأسیس کرده اند به نام "کلیسای شیطان". بنیانگذار و رهبر این فرقه يك یهودی از خاندان لوی به نام آنتون لاوی است.

در این گونه فرقه ها مناسب جنسی جایگاه خاصی دارد. این تهمت نیست، عین واقعیت است. منابع معتبر از رواج هرج و مرج جنسی و مناسب جنسی در فرقه دونه سخن می گویند. فرانکیست ها هم کاملاً بی پروا مناسب جنسی خود را اجرا می کردند. این فرقه را یعقوب فرانک تأسیس کرد و نقشی مشابه با فرقه دونه در اروپای شرقی و مرکزی داشت. در کلیسای شیطان آنتون لاوی نیز مناسب جنسی جایگاه خاصی دارد. اگر توجه کنیم می بینیم همان مناسبی که زمانی به طور مخفی به وسیله کمپانی هایی که به وسیله زرسالاران یهودی ایجاد شده و از طریق گروه هایی مثل "متالیکا" در سطح عموم رواج داده می شود و توده وسیعی از جوانان را به خود جلب می کند. می دانیم که گروه متالیکا رسماً خود را شیطان پرست می داند.

منبع: اسطوره ها و بنیان های اندیشه سیاسی یهود

### شیطان پرستان لاوی

این نوع از شیطان پرستی بر مبنای فلسفه آنتوان لاوی که در کتاب "انجیل شیطان" و دیگر آثارش آمده است تشکیل شده است. لاوی مؤسس کلیسای شیطان (1966) بود و تحت تأثیر نوشته های فردریک نیچه، آلیستر کراولی، این رند، مارک د سید، ویندهام لويس، چارلز داروین، امبروس بیرس، مارک تواین و بسیاری دیگر بوده است. "شیطان" در نظر لاوی موجودی مثبت بوده در حالی که تعالیم خداجویانه کلیساها را مورد تمسخر قرار داده و به مسائل جهان مادی نیز اعتنایی نداشت. یک شیطان پرست لاوی، خود را خدای خود می داند، آیین مذهبی این گروه از شیطان پرستان بیشتر شبیه به فلسفه میچیک کراولی با دیدی جلوبرنده به سمت شیطان پرستی است. یک شیطان پرست لاوی مدعی آن است که کسانی که خودشان را با شیطان پرستی هم ردیف می دانند نباید به طرز فکر گروهی خواص وفادار باشند و آن ها را از لحاظ اخلاقی قبول نداشته باشند. و در ازای آن گرایشات انفرادی داشته باشند و من تبع باید به طور دائمی یک سر و گردن بالاتر از کسانی باشند که خود را از لحاظ اخلاقی، قوی می دانند. و در بشر دوستی [گمراه] خود، بدون تأمل عمل کنند.

منبع: www.aftab.ir

جامعه روشنائی درون



در قرن بیستم در انگلستان گروه‌های دیگری به نام «جامعه روشنائی درون» به وجود آمدند که عرفان واقعی را حداکثر بهره مند شدن از لذات جنسی و مادی می‌دانستند و اعتقاد داشتند در بهره مندی از هر گونه لذت جنسی و مادی هیچ گونه ملامت روحی و ندامت نباید در شخص به وجود آید.

در ایالات متحده آمریکا با حمایت فراماسون‌ها گروه‌های جدید با عنوان «مشركان جديد» به وجود آمده است که اعتقادات و سنت‌های بومیان قاره آمریکا را با اعتقادات و مراسم عبادی کاهنان جادوگر اقوام سلتی تلفیق نموده‌اند. این گروه‌ها در ایالات متحده آمریکا در سال 1991 م «فدراسیون جهانی مشركان» را به وجود آورده‌اند و مراسم عبادی آن‌ها شامل پرستش خدایان زن است که ابتذال جنسی را در پی دارد.

www.bashgah.net

منبع: نشریه ی بنیاد پژوهشی آستان قدس، شماره های 84 و 85

### گروه هپی ها

دهه 1960 م را در جوامع غربی دهه ی هپی (اباحی گری) می‌نامند و از اوائل دهه 1970 م بیشتر اعضای سابق "هپی ها" - که به دلیل اباحی گری و تضعیف روابط خانوادگی در جوامع غربی از جامعه گسسته بودند - عضو گروه‌های نوظهور گردیدند و با عضو شدن در این گروه‌ها احساس عضویت در یک خانواده ی مصنوعی پیدا کردند. به جز این‌ها افرادی که مبتلا به شرابخواری و استفاده از مواد مخدر و سرخورده از زندگی خانوادگی و محصول خانواده‌های متلاشی شده طلاق هستند، عضو این گروه‌های غیرمتداول می‌شوند.

از ویژگی‌های این گروه‌ها آن است که رهبران‌شان این عقیده را ترویج می‌نمایند که پیروان آن‌ها از ارتکاب گناه و خلاف نباید در خود هیچ گونه احساس حقارت و ندامت کنند و برای جذب جوانان در رده بندی تشکیلاتی گروه از زنان بهره می‌گیرند. در جوامع غربی، زن در رسانه‌های عمومی برای فروش کالا به عنوان یک ابزار استفاده می‌شود و گروه‌های غیر متداول هم برای جذب جوانان از وجود زن استفاده می‌نمایند. بعضی از این گروه‌ها - که فقط جادوگری را ترویج می‌کنند - اکثر زنانی را که طرفدار نظریه ی فمینیسم می‌باشند در این گروه‌های خود جذب می‌نمایند و این گروه‌ها را (زنان جادوگر) می‌نامند و عمل جادوگری برای زنان را فمینیسم معنوی می‌نامند. در غرب پیروان این گروه جادوگری را ویکا هم می‌نامند که توسط یک نویسنده انگلیسی به نام جرالدر گارنر (1964 - 1884 م) در اواخر دهه 1940 م ترویج گردید. وی یک فراماسون بود و در موضوع جادوگری دو کتاب با عنوان جادوگری امروز و کتاب سایه‌ها را تألیف نمود. فراماسون‌ها برای مبارزه با دین همیشه از خرافات به عنوان جنبه‌های معنوی ترویج نموده‌اند و در این زمینه «باشگاه آتش جهنم» را در قرن هیجدهم میلادی در سراسر انگلستان تأسیس کرده بودند که در آن، اعمال منافی عفت توسط اعضای آن صورت می‌گرفت.

منبع: نشریه ی بنیاد پژوهشی آستان قدس، شماره های 84 و 85

www.bashgah.net

### گروه heavy metal

هوی متال در اواسط دهه 70 پس از نفوذها هاردراک انگلیسی به آمریکا شکل گرفت و در واقع همان (هاردراک) ولی با سلیقه آمریکایی می‌باشد که با اضافه کردن شعرهای اعتراض آمیز، هوی متال به وجود آمد، متال نه تنها به صورت یک موسیقی بلکه به عنوان یک وسیله جهت بیان اعتراض‌های افراد با مقاصد سیاسی، اجتماعی، مذهبی و ... در آمد. از این گروه حدود 16 گروه دیگر منشعب شد که تماماً انگلیسی و هر کدام زیر شاخه‌هایی نیز دارند که مجموعاً به متالیست‌ها معروف شده‌اند که از ذکر نام و توضیحات آن‌ها به جهت تبلیغ نشدن آن‌ها می‌شود.

دث متال یکی از این گروه‌ها است که دارای موسیقی بسیار شدید می‌باشد، در آن سعی بر نشان دادن جنبه‌های مرگ، درد و وحشت دارد و موسیقی که اشعار حزن انگیز آن با صدای بلند و خشن ادا می‌شود.

گوتیک متال یکی دیگر از این گروه‌ها است با جوی سرد و غم انگیز د رموسیقی خود و فضایی ملودرام و غمناک با تم‌های عاشقانه مسائل مربوط به مرگ و پس از مرگ را مطرح نموده و عمدتاً عناصر داستان‌های کهن اروپایی مانند، جادوگران، خون آشام‌ها، اژدها و ... استفاده می‌کند.

ملاحظه:

ساده اندیشی نیست اگر فکر کنیم بوجود آمدن چنین تشکیلات و گروه‌هایی آنهم در کشور‌های آمریکا و انگلیس تصادفی و بدون برنامه ریزی و سازماندهی و حمایت حکومت‌ها و سازمان‌های جاسوسی بوده است.

و باز ساده اندیشی نیست اگر فکر کنیم این گروه‌های پیچ در پیچ بدون اهداف و اراض سیاسی و صرفاً جهت ترویج یک سبک موسیقی بوجود آمده‌اند. بدون شک این همه سرمایه‌گذاری و حمایت بدون هدف و چشم‌انتظاری نخواهد بود... کمی تأمل نیاز دارد.

### درآمدی بر فیلم‌های شیطانی

1 - شیطان وجود دارد

این جمله همانقدر که صحیح است، می‌تواند گمراه کننده نیز باشد. اساساً شیطان کیست و وجود او چگونه است؟

آیا او وجود مطلق دارد یا دستخوش نوعی صیوروت و سنت تاریخی است. اساساً فهم مفاهیم غیبی و ظهورات آن‌ها از جن و فرشته و شیطان گرفته تا معجزات و عذاب‌ها ممکن نیست مگر آنکه آن‌ها را در بستر ربوبیت حضرت حق بر جریان و حرکت تاریخ ببینیم. تأملی اندک بر تحول و تطورات تاریخی روشن می‌سازد که ظهور مفاهیم غیبی از ابتدای تاریخ به صورت کاملاً معناداری به مرور کاهش می‌یابد که سیر معجزات و عذاب‌ها روشن‌ترین وجه آن است. از معجزات حضرت نوح(ع) و موسی(ع) که سیل عالم گیر و شکافتن رود نیل و یدنورانی و... است، به شفای مریضان و نهایتاً به یک کتاب (قرآن) به عنوان آخرین معجزه تاریخ انبیا می‌رسیم و از سنگ شدن و مسخ شدن انسان‌ها به صورت خوک و میمون به عصری می‌رسیم که پیامبرش هیچگاه نفرین نمی‌کند و اگر نفرینی هم وجود دارد اثرش خارج از روابط طبیعی عالم شهود نیست.

در روایات نیز آمده است که شیاطین تا قبل از بعثت حضرت عیسی تا آسمان هفتم بالا می‌رفتند و استراق سمع می‌کردند. همین که آن بزرگوار مبعوث شد، حرکت آن‌ها از آسمان چهارم به بالا ممنوع شد و سپس وقتی پیامبر گرامی اسلام(ص) مبعوث شد از همه آسمان‌ها ممنوع گردیدند و هدف تیره‌های شهاب قرار گرفتند (به نقل از ترجمه تفسیر المیزان، جلد 1 صفحه 216) این را اضافه کنید به حذف جنیان از مراوده و دخالت در امور انسان‌ها بویژه در عصر قرآن باز اضافه کنید این را که بزرگترین گناهان که بعضاً در مقیاس جوامع بزرگ اتفاق می‌افتد ولی هیچ کس ظاهراً نه خوک می‌شود و نه میمون و نه سنگ می‌شود و نه سنگ از آسمان می‌بارد، نه یاجوج و ماجوج می‌آیند نه هاروت و ماروتی فرستاده می‌شوند.

این‌ها به معنای حذف عوالم ملکوتی نیست بلکه به معنای سعه صدر در کفر و ایمان است و نشان از مرحله جدیدی از تربیت انسان در بستر سنت‌های الهی است که تقدیر انسان را در ابعاد عقلانی و روحانی می‌جوید. شاید با همین رویکرد است که برخی اندیشه و رزنان شیعی تاریخ را به 3 دوره عین (قبل از بعثت)، عقل (از بعثت تا ظهور) و روح (بعاد ظهور) تقسیم کرده‌اند. انسان دوره عینیات نیازمند کمک بیشتر و دستگیری بیشتری بوده است و لذا برای هدایت او مفاهیم غیبی اعم از شیطانی و الهی به صورت عینی و شهودی تجلی می‌کرده‌اند. تا به امروز می‌رسیم که "عصر غیبت" به مفهوم عام برای همه تاریخ و بشریت و به معنای خاص در قلمرو حیات شیعی است.

این مقدمه بیان شد تا مقداری روشن شود که تاریخ بویژه در مورد ظهورات عوالم غیبی هیچگاه عیناً تکرار نمی‌شود. و لذا برخی ظهورات و توانایی‌های ظاهری و بصری باستانی ابلیس دلیلی برای وقوع در زمان حاضر نمی‌شود و حتی به نوعی خلاف حکمت تاریخی است. یا اگر در دوره‌ای از تاریخ شیطان امکانی در استراق سمع و در نتیجه پیشگویی برخی وقایع داشته که فرع بر امکان حضور او در طبقات بالای آسمان بوده دلیلی بر امتداد این جواز نیست بلکه بعکس اندیشه حکمی خلاف آنرا اقتضا می‌کند.

نکته مهم دیگر این است که به موازات و علی‌رغم غیبت ظهورات ابلیس، بستر اندیشه و سیستمها و مکاتب شیطانی به مرور شکل می‌گیرد و به عنوان نمونه اگر روزی شیطان خود را به شکل نوجوانی زیبا ظاهر می‌ساخت تا عملی شنیع را به قوم لوط بیاموزد، امروز اقوامی آمده‌اند که همجنس‌گرایی را علمی، قانونی و حتی مشروع!! جلوه می‌دهند، یا اگر تلاش‌های ابلیس روزگاری صرف این می‌شد که یک قارون رباخوار تربیت کند، ثمره اش تمدنی است که شریان‌های نظام اقتصادی آن، بانکداری ربوی است. نکته آن است که وقتی چنین نظم و سیستمی شکل گرفت و انسان‌هایی برای آن تربیت شدند، ابلیس جنی و فرزندان و لشگریانش به غایت تبلور و ظهور در فرایندهای شهودی و عادی بدل می‌شوند و ظهورات باستانی آن‌ها نه ضرورتی دارد و نه شاید امکان.

عصر ما، عصر فترت و احتضار شیطان و درعین حال عصر بسط و گسترش امور و مجاری تمدنی شیطانی است و این پارادایم دوگانه روشنگر بخشی از پیچیدگی‌های زمانه ماست. با این مقدمه تا حدودی روشن می‌شود که اگر دستگاه تبلیغاتی "شیطان بزرگ" نمایش‌هایی کریه و خوفناک و درعین حال قدرتمندانه از یک صورت شیطانی سوپرناتوره ارائه می‌دهد، از سر دلسوزی و خیرخواهی و توجه به عالم غیب نیست. بلکه نمایش جلوه‌ای از ابلیس است که وجود خارجی ندارد و مخاطب را دچار حیرت می‌کند و به تدریج به انفعال می‌کشاند.

2 - یکی از زمینه‌های به تصویر کشیدن شیطان در رسانه‌های غربی و بویژه هالیوود را باید در قرائت‌های جدید از کتاب مقدس و بویژه بخش استعادی و غامض مکاشفات یوحنا جستجو کرد آنجا که می‌گوید "...فرشته‌ای را دیدم که از آسمان پایین آمد... او ازدها (شیطان) را گرفت و به زنجیر کشید و برای مدت هزار سال به چاه بی‌انتها افکند." پس از پایان هزار سال، شیطان از زندان آزاد خواهد شد... (عهد جدید، مکاشفه، باب بیستم) و همین موضوع مورد توجه اربابان رسانه‌ای قرار گرفت و در پایان هزاره دوم و اوایل هزاره سوم محصولات فراوانی وارد بازار رسانه‌ای و بویژه سینمایی شد آثاری همچون: بچه رزماری، طالع نحس، جن گیر، کنستانتین، پایان روزها، دروازه نهم و حتی فیلمی همچون "ون هلسینگ" و یا "دراکولا ساخته ی برام استوکر" و...

فارغ از انتقادات عقلی، کلامی و تاریخی در باب صحت و سقم مکاشفات یوحنا و پارامترهای موضوعی و محتوایی چنین فیلم‌هایی، می‌توان وجوه مشترکی از نمایش شیطان در این آثار را برشمرد:

الف - "شیطان ظهور می‌کند" و در واقع از یک غیبت هزار ساله بازمی‌گردد و این ظهور چه در سطح فردی و چه در مقیاس اجتماعی و سیاسی در بافت فرهنگی و ذهنیت کنترل شده غربی معنا می‌یابد و تعبیر می‌شود. وجوه بارز آن در حوزه گرایش‌های سیاسی غرب فیلم‌هایی همچون فاینال فانتزی (نهایت خیال) و یا "سرزمین بهشت" است که سال‌ها بازگشت و حمله شیطان به بشر را سال 1979 معرفی می‌کند یعنی سال ظهور انقلاب اسلامی ایران و حتی در فیلم فاینال فانتزی محل خروج شیطان را دره کاسپین (دریای مازندران) به تصویر می‌کشد و قس علی‌هذا.

ب - شیطان نوظهور غربی قدرت تصرف و تسخیر و حلول دارد و از کشش رازگونه بهره می برد. این شیطان آنگونه است که اگر روح خود را به او بفروشی قدرتهایی ویژه می یابی (آنچنان که "دکتر فاستوس" در نمایشنامه معرفی به همین نام به قلم کریستوفر مارلو این راه را در پیش می گیرد) همین راز وارگی و منشأ حقیقی قدرت دانستن شیطان یکی از زمینه های شیطان گرایی نوین است.

ج - کسانی که سر راه شیطان و یا حتی مسیح قرار می گیرند، معمولاً تناسب درونی و شخصیتی با این واقعه ندارند بدین معنا که شخص تصرف شده توسط شیطان و یا مورد توجه قرار گرفته توسط مسیح لزوماً انسان های به ترتیب پست و شریفی نیستند و حتی به نظر می رسد به عمد عکس این مطلب اتفاق می افتد، یعنی انسان های بی گناه (همچون در جن گیر، طالع نحس، محسور و...) تصرف شیطانی می شوند و از آن طرف در فیلمی مثل استیگماتا گویا روح مسیح در کالبد زن بدکاره ای حلول می کند. و این انحراف ذهن از ویژگی های باطنی و درونی و اصلاح آن ها به سمت یک واقعه صرفاً اتفاقی است.

3 - ویژگی های شیطان هالیوودی به علاوه نکات فراوانی که در کتابها، رمانها و شبه فلسفه های نوپدید و بطور کلی نظام رؤیابرداری و رسانه ای غرب وجود دارد، تأثیراتی تدریجی در بلندمدت برجای گذاشته است. اتفاقی که در تاریخ 2006.6.6 اتفاق می افتد شاید نمونه گویایی باشد، در این تاریخ نسخه بازسازی شده "طالع شیطانی 666" و به بهانه قرار گرفتن سه 6 در شمارش تاریخ درکنار هم که نشانه شیطان است، به نمایش درمی آید، در این تاریخ دو طیف از مردم ظهور می کنند، گروهی که از ترس نحوست، قدرت و شرور شیطان از خانه ها بیرون نمی آیند و گروهی که به عکس این تاریخ را برای جشنها و عروسی های خود انتخاب می کنند. این دو گروه به نوعی مغلوب و منفعل شیطان دست پرورده همین نظام فرهنگی هستند. این دو طیف در مورخه 1976.6.6 که نسخه اولیه طالع شیطانی به نمایش درآمد وجود نداشتند و به نظر می رسد شیطان هالیوودی تأثیرات خود را برجای گذارده است.

این تأثیرات به گونه ای دیگر در پذیرش تدریجی و تلطیف و قلب ماهیت مفاهیم شر و شیطانی و سوق مخاطب به این هدف دیده می شود. در موج جدیدی از آثار هالیوودی شیطان دیگر آن موجود پلید و منفور نیست، پولانسکی که در فیلم "بچه رزماری" شیطان را قدرتمند، مخوف و منفی تصویر می کرد امروز به "دروازه نهم" می رسد که پرستش بی چون و چرا و محض شیطان را دلپذیر و تبلیغ می کند، در فیلم دروازه نهم دیگر درگیری خیر و شر وجود ندارد بلکه مسئله، سبقت به سوی شیطان است، آنگونه که مخاطب آرزو می کند به جای قهرمان فیلم به قدرت مطلق و رازگونه شیطان ملحق شود. نمادهای شیطان پرستی همچون ستاره پنج پر در فیلم رمز داوینچی به نمادهایی مثبت تبدیل می شوند و علامت 666 که پیشتر نماد و نشانه شیطان دانسته می شد، به یک نماد هندسی مقدس تعبیر می شود. و یا فراماسونری با همه پلیدی هایش در فیلم "ثروت ملی" به عنوان میراث دار گنج عظیم و تاریخی کل بشر معرفی می شود. (این فیلم متأسفانه در دو نوبت بدون کمترین تحلیل از شبکه 3 سیما به نمایش درآمد) و یا جادوگران که چهره ای کریه داشتند و همواره در سایه شیطان می زیسته اند امروز به قهرمانان نوجوانان ما در آثاری همچون هری پاتر و ارباب حلقه ها بدل می گردند.

با این وصف به نظر می رسد وارد موج دوم نمایشهای شیطانی شده ایم که به جرات می توانیم عنوان شیطان گرایی بر آن اطلاق کنیم. موج اول به نمایش انحرافی خارج از جایگاه حقیقی شیطان (چه جایگاه وجودی و چه مقام تاریخی مبتنی بر حکمت تاریخ) معطوف بود و موج جدید به توجیه و دلپذیر و صاحب تقدیر و مطلق معرفی کردن آن برمی گردد. در این موج پیچیدگی ها و گفتمان سیاه شیطان- خدایی تبیین می شود.

منبع: روزنامه کیهان پنجشنبه 15 آذر 1386 - 25 ذیحده 1428 - 6 دسامبر 2007 - سال شصت و چهارم - شماره 189537

### شیطان و فرعون

حضرت موسی یک روز در تور سینا مشغول مناجات بود. ندا از طرف خدا آمد: "یا موسی! با برادرت هارون، به جنگ فرعون بروید." موسی گفت: "خداوند، تو روز به روز قدرت فرعون را زیادت می کنی. آن وقت مرا به جنگ او می فرستی؟ خودت می دانی که قدرت من به فرعون نمی رسد." ندا رسید: "یا موسی! من از سه خصلت فرعون، بی اندازه خوشم می آید. این است که هر روز قدرتش را زیادت می کنم."

- "خداوند! این سه خصلت فرعون کدام است؟"

"یا موسی! یکی اینکه فرعون مادر پیری دارد که از او مواظبت می کند و جان مادرش وابسته است. من از این کار فرعون خیلی خوشم می آید. دوم آنکه فرعون مهمانخانه ای باز کرده که هر کس گرسنه باشد، می آید آنجا و خودش را سیر می کند. دیگری هم آنکه به ریش و محاسنش خیلی می رسد."

شیطان این حرف ها را شنید و آمد سراغ فرعون. در زد. پیشخدمت فرعون آمد پشت در و پرسید: "چه کسی در می زند؟"

شیطان گفت: "برو و به فرعون بگو خودش بیاید."

پیشخدمت پرسید: "تو کی هستی که فرعون بیاید؟"

شیطان گفت: "من هر که باشم، فرعون با پای خودش می آید و در را باز می کند و جانش هم درمی آید."

پیشخدمت رفت و خبر را رساند. خلاصه، فرعون آمد پشت در و پرسید: "تو کی هستی و با من چه کار داری؟"

شیطان گفت: "تو چه طور خدائی هستی که نمی دانی این طرف در کیست؟ در را باز کن. آمده ام راه و چاه را نشانت بدهم." فرعون در را باز کرد و دید پیرمردی پشت در ایستاده. شیطان آمد و به دربار فرعون وارد شد. کمی گذشت و دید فرعون دم به



دم می رود و به اتاق پهلوئی سر می زند.

شیطان پرسید: "ای فرعون، چه می کنی؟"

فرعون گفت: "به مادرم سر می زنم."

شیطان گفت: "خاک بر سرت، مردم اگر بفهمند تو مادری هم داری، همه از دور و برت پراکنده می شوند. خدا که پدر و مادر ندارد."

فرعون پرسید: "پس چه کار کنم؟" شیطان گفت: "بهبش سر زن تا خودش بمیرد."

فرعون هم گوش به حرف شیطان داد و به مادرش سر نزد. مدتی گذشت و شیطان دید از زیرزمین سر و صدا می آید.

شیطان پرسید: "این سر و صدا که از زیرزمین می آید چیست؟"

فرعون گفت: "زیر اینجا، آشپزخانه من است. هر کس گرسنه باشد، می آید و سیر می شود و می رود."

شیطان گفت: "خانه ات خراب شود. مگر خدا هم آشپزخانه دارد؟ خدا از غیب به بنده هایش روزی می رساند. زود این بساط را

جمع کن، وگرنه همه از دورت پراکنده می شوند."

فرعون دستور داد آشپزخانه را جمع کردند. این گذشت تا روز بعد.

شیطان پرسید: "ای فرعون، این چه چیزی است که به ریشت آویزان کرده ای و خودت را به شکل حاجی فیروز درآورده ای؟"

فرعون گفت: "این ها مروارید هستند و ریشم را با آن ها زینت داده ام."

شیطان گفت: "این چه کاری است؟ مگر خدا ریش می گذارد که تو هم ریش گذاشته ای و حالا هم زینتش داده ای."

فرعون پیش خودش فکر کرد و حرف شیطان را قبول کرد.

خلاصه، این شد که خدا هم قدرت فرعون را گرفت و حضرت موسی را به جنگ فرعون فرستاد.

- شیطان و فرعون

- قصه های مردم ص 245

- انتخاب، تحلیل، ویرایش: سیداحمد وکیلان

- نشر مرکز چاپ اول 1379

- به نقل از: فرهنگ افسانه های مردم ایران - جلد هشتم

علی اشرف درویشیان - رضا خندان (مهابادی)، نشر کتاب و فرهنگ، چاپ اول 1380

منبع: [www.aftab.ir](http://www.aftab.ir)

### فهرست منابع

- 1 - ابن عربی- محی الدین/فتوحات مکیه جلد 1/ انتشارات مولی 1384
- 2 - ابن عربی- محی الدین/فتوحات مکیه جلد 2/ انتشارات مولی 1384
- 3 - ابن عربی- محی الدین/فتوحات مکیه جلد 3/ انتشارات مولی 1384
- 4 - ابن عربی- محی الدین/شرح فصوص الحکم با تعلیقات سید جلال الدین آشتیانی- بوستان کتاب قم- 1380
- 5 - الهی قمشه ای - محی الدین مهدی/ ترجمه قرآن مجید/ انتشارات عبدالرحیم علمی
- 6 - انجمن روان پزشکی امریکا- راهنمای تشخیص و آماری اختلال های روانی/ گروه مترجمان چاپ چهارم "D.S.M-IV"1994 انتشارات سخن 1374 در 2 جلد
- 7 - اوسترین ولفسن - هری/ فلسفه علم کلام- ترجمه احمد آرام- انتشارات الهی 1368.
- 8 - برنز- دیوید/ روان شناسی افسردگی - ترجمه مهدی قراچه داغی. نشر اوحدی - چاپ نهم 1375
- 9 - بهمنی - اصغر/ مصاحبه با شیطان- انتشارات سعید نوین- 1385.
- 10 - پاینده - ابوالقاسم/ ترجمه نهج الفصاحه/ سازمان چاپ و انتشارات جاویدان- 1354
- 11 - جوجانی- ابی الفتح حسینی/ تفسیر شاهی در شرح آیات احکام- تصحیح میرزا ولی الله اشراقی- انتشارات نوید 1362 در 2 جلد.
- 12 - جعفری- محمد تقی/ تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی در 15 جلد- شرکت سهامی انتشارات 1352.
- 13 - جوادی آملی- عبدالله/ ادب فنای مقربان جلد 1/ مرکز نشر اسراء/ 1381
- 14 - جوادی آملی- عبدالله/ انتظار بشر از دین/ مرکز نشر اسراء/ 1380
- 15 - جوادی آملی- عبدالله/ تفسیر تسنیم جلد1/ مرکز نشر اسراء/ 1381
- 16 - جوادی آملی- عبدالله/ تفسیر موضوعی قرآن جلد7/ مرکز نشر اسراء/ 1373
- 17 - جوادی آملی- عبدالله/ حکمت عبادات/ مرکز نشر اسراء/ 1381
- 18 - جوادی آملی- عبدالله/ هدایت قرآن/ مرکز نشر فرهنگی رجاء/ 1372
- 19 - چناری- فریبا/ پژوهشی در حقیقت شیطان/ انتشارات نیکان کتاب/ 1384
- 19 - حافظ(دیوان)/ تصحیح کاظم برگ نیسی/ شرکت انتشارات فکر روز/ 1379
- 20 - حافظ نامه/ 2 جلد- بهاء الدین خرمشاهی- شرکت انتشارات علمی و فرهنگی/ 1383

- 21 - حافظ- شرح سودي/ تفسير محمد سودي بسنوي- ترجمه دكتر عصمت ستارزاده. انتشارات سرير- چاپ پنجم/ 1378.
- 22 - حكيمي- محمد رضا/ الحياه/ ترجمه احمد آرام- انتشارات دليل ما 1384.
- 23 - خرمشاهي- بهاءالدين/ قرآن شناخت/ انتشارات طرح نو- 1375.
- 24 - خليلي- مصطفي/ انديشه هاي كلامي علامه طباطبائي/ دفتر تنظيم و نشر آثار علامه طباطبائي 1382
- 25 - خميني- روح الله(موسوي)/ طلب و اراده- مركز انتشارات علمي و فرهنگي- ترجمه سيد احمد فهري زنجان- 1362
- 26 - دژاکام- علي/ تفکر فلسفي غرب از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری- موسسه فرهنگ و اندیشه معاصر- چاپ دوم 1377
- 27 - دستغیب- شهید سید عبدالحسین/ استعاده دفتر انتشارات اسلامي-1385
- 28 - دهخدا- علي اکبر/ لغت نامه جلد2- دكتر محمد معين- دكتر سيد جعفر شهيد- سازمان لغت نامه 1339
- 29 - دهخدا- علي اکبر/ لغت نامه جلد16- دكتر محمد معين- دكتر سيد جعفر شهيد- سازمان لغت نامه 1339
- 30 - دهخدا- علي اکبر/ لغت نامه جلد31- دكتر محمد معين- دكتر سيد جعفر شهيد- سازمان لغت نامه 1339
- 31 - دینانی- غلامحسین ابراهیمی/ عقلانیت و معنویت- موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی-1383
- 32 - راس- آلن/ اختلالات رواني کودکان- ترجمه امیر هوشنگ مهریار- انتشارات رشد 1370
- 33 - رجالي تهراني- علي رضا/ جن و شيطان- انتشارات نوغ- 1384
- 34 - زماني- کریم/ شرح جامع مثنوي معنوي- انتشارات اطلاعات- جلد 1 و 2
- 35 - ساراسون - ايروين، باربارا/ روانشناسي مرضي جلد 1 و 2 - ترجمه دكتر بهمن نجاريان و محمد علي اصغري مقدم و محسن دهقاني/ انتشارات رشد- 1371
- 36 - سعدي شيرازي - مصلح الدن/ متن كامل ديوان- با تصحيح محمد علي فروغي- عباس اقبال- كانون معرفت- 1340
- 37 - سعیدی مهر- محمد/ كلام اسلامي جلد 1 و 2/ نشر كتاب طه قم- 1381
- 38 - سنائي غزنوي- ديوان/ با مقدمه بديع الزمان فروزانفر- نشر آزاد مهر 1381
- 39 - سينا - ابوعلی/ اشارات و تنبيهات - نگارش دكتر حسن ملكشاهي- انتشارات سروش 1363
- 40 - شايگان - داريوش/ افسون زدگي جديد- ترجمه فاطمه ولياني- نشر و پژوهش فرزانه روز 1380
- 41 - شعاري نژاد- علي اکبر/ فرهنگ علوم رفتاري- موسسه انتشارات امير کبير- 1364
- 42 - شعبه حراني- ابي محمد الحسن بن علي بن الحسين/ تحف العقول - ترجمه علي اکبر غفاري- انتشارات کتابفروشي اسلاميه- 1355
- 43 - شولتز- دوان/ نظريه هاي شخصيت- نشر ارسباران- 1377
- 44 - شهيد- سيد جعفر/ ترجمه نهج البلاغه - انتشارات و آموزش انقلاب اسلامي- 1370
- 45 - صدر بلاغي/ ترجمه صحيفه سجديه- انتشارات حسينييه ارشاد- 1350
- 46 - صدوق- شيخ(ابن بابويه)/ معاني الاخبار- ترجمه شيخ عبدالعلي محمد شاهرودي- دارالکتب اسلاميه. 1372
- 47 - صدوق- شيخ(ابن بابويه)/ ترجمه امالي- ترجمه کریم فيضي تبريزي- انتشارات وحدت بخش 1384
- 48 - صليبا- جميل/ فرهنگ فلسفي- ترجمه منوچهر صانعي دره بیدی- انتشارات حکمت 1366
- 49 - طالقاني- سيد محمود/ تفسير پرتوي از قرآن 4 جلدی- شرکت سهامی انتشار- 1345
- 50 - طباطبائي- سيد محمد حسين(علامه)/ ترجمه تفسير الميزان- ترجمه سيد محمد باقر موسوي همداني 20 جلدی- بنياد علمي و فكري علامه طباطبائي- 1370
- 51 - طباطبائي- سيد محمد حسين(علامه)/ بررسي هاي اسلامي- موسسه انتشارات هجرت- 1360
- 52 - طباطبائي- سيد محمد حسين(علامه)/ سن النبي- ترجمه عباس عزيزي- انتشارات صلاه- 1382
- 53 - طباطبائي- سيد محمد حسين(علامه)/ شيعه- با شرح علي احمدي و سيد هادي خسروشاهي- موسسه انتشارات رسالت قم سال 1340(همراه با مذاکرات هانري کربن)
- 54 - طهراني- سيد محمد حسين/ امام شناسي در 18 جلد- انتشارات علامه طباطبائي 1377
- 55 - طهراني- سيد محمد حسين/ روح مجرد- انتشارات علامه طباطبائي 1380
- 56 - طهراني- سيد محمد حسين/ معاد شناسي در 10 جلد- انتشارات علامه طباطبائي- چاپ يازدهم 1385
- 57 - عبد الباقي- محمد فواد/ المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم- دارالکتب المصريه- قاهره- 1364 هجري قمری
- 58 - عطار نيشابوري- فريد الدين/ تذکره الاولياء- انتشارات مرکزي- 1336
- 59 - عليزاده- حسن/ فرهنگ خاص علوم سياسي- انتشارات روزنه- 1381
- 60 - غزالي طوسي- ابوحامد، محمد/ کيمياي سعادت 2 جلد- به کوشش حسين خديوجم - شرکت انتشارات علمي و فرهنگي - چاپ سوم- 1364
- 61 - فرانکل - ويکتور/ انسان در جستجوي معني - ترجمه صالحيان و ميلاني/ انتشارات درسا 1374
- 62 - فرانکل - ويکتور/ خدا در ناخودآگاه- ترجمه ابراهيم يزدي - موسسه خدمات فرهنگي رسا- 1375
- 63 - فروزان فر- بديع الزمان/ شرح مثنوي جلد 1- شرکت انتشارات علمي و فرهنگي 1382
- 64 - فروغي - محمد علي/ سير حکمت در اروپا- انتشارات زوار- 1360

- 65 - فروم- اريش(اريك) // بنام زندگي- ترجمه اكبر تبريزي- انتشارات مرواريد- 1367
- 66 - فروم- اريش(اريك) // دل آدمي- ترجمه گيتي طوشدل- نشر نو- 1362
- 67 - فروم- اريش(اريك) // سيماي راستين انسان- ترجمه مجيد كشاورز- انتشارات مرواريد- 1365
- 68 - فروم- اريش(اريك) // انقلاب اميد- ترجمه مجيد روشنگر- انتشارات آسيا- 1360
- 69 - فرويد- زيگموند/ توم و تابو- ترجمه دكتور ايرج پور باقر- انتشارات آسيا- 1362
- 70 - قرائتي- محسن/ تفسير نور 12 جلدي- مركز فرهنگي درسهايي از قرآن و انتشارات موسسه در راه حق- 1385
- 71 - قرائتي - محسن/ گناه شناسي- مركز فرهنگي درسهايي از قرآن - 1385
- 72 - قرشي- سيد علي اكبر/ قاموس قرآن دارالكتب اسلاميه- 1352
- 73 - قمي- شيخ عباس(محدث) سفينه البحار- دارالكتب اسلاميه-
- 74 - كليني- محمدبن يعقوب/ با شرح و تفسير ملاصدرا شيرازي- پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي در 4 جلد- 1383
- 75 - كنرلي-هلن/ اختلالهاي اضطرابي- ترجمه دكتور سيروس ميني- انتشارات رشد- 1382
- 76 - گروه نويسندگان/ دايره المعارف بزرگ اسلامي- 14 جلد تا 1386- زير نظر كاظم موسوي بجنوردي- نشر مركز دايره المعارف بزرگ اسلامي
- 77 - گودوين- دانلد/ فوبي- ترجمه نصرت ال.. پور افكاري- انتشارات رشد- 1372
- 78 - گيلاني- عبد الرزاق/ ترجمه مصباح الشريعه- منصوب به امام صادق(ع)- انتشارات پيام حق 1382
- 79 - محقق - مهدي/ فيلسوف ري- انتشارات موسسه مطالعات اسلامي دانشگاه مك گيل شعبه تهران- 1352
- 80 - محمدي ري شهري- محمد/ ميزان الحكمه جلد 2- مركز تحقيقات دارالحدیث- 1383
- 81 - مفقادي - علي/ نشان از بي نشان ها- انتشارات زوار- 1371
- 82 - مصباح يزدي - محمد تقی/ معارف قرآن جلد 2- مركز انتشارات موسسه آموزشي پژوهشي امام خميني- چاپ نهم- 1380
- 83 - مطهري- شهيد مرتضي/ مجموعه آثار جلد 1/ انتشارات صدرا- 1370
- 84 - مطهري- شهيد مرتضي/ مجموعه آثار جلد 4/ انتشارات صدرا- 1371
- 85 - مطهري- شهيد مرتضي/ مجموعه آثار جلد 16/ انتشارات صدرا- 1374
- 86 - مطهري- شهيد مرتضي/ مجموعه آثار جلد 22/ انتشارات صدرا- 1384
- 87 - مطهري- شهيد مرتضي/ مجموعه آثار جلد 24/ انتشارات صدرا- 1385
- 88 - معاديخواه- عبدالمجيد/ فرهنگ آفتاب جلد 6-5/ نشر ذره- 1372
- 89 - ملاصدرا- صدرالدين محمد شيرازي/ اسفار جلد 2/ انتشارات مولا- 1380
- 90 - ملاصدرا- صدرالدين محمد شيرازي/ رساله سه اصل/ انتشارات مولا- 1376
- 91 - ملاصدرا- صدرالدين محمد شيرازي/ مبداء معاد/ انتشارات مركز نشر دانشگاهي- 1381
- 92 - ملاصدرا- صدرالدين محمد شيرازي/ مفاتيح الغيب/ انتشارات مولا- 1363
- 93 - ملك احمدی- علي اصغر/ شيطان كيست- انتشارات شهيد حسين فهميده 1381
- 94 - ملكي تبريزي- آقاميرزا جواد/ اسرار الصلاه- ترجمه رضا رجب زاده- انتشارات پيام آزادي 1380
- 95 - ناس- جان بي/ تاريخ جامع اديان- ترجمه علي اصغر حكمت- شركت انتشارات علمي و فرهنگي- چاپ يازدهم- 1380
- 96 - نصر- سيد حسين/ اسلام و تنگناهاي انسان متجدد- انتشارات سهروردي- 1383
- 97 - نصر- سيد حسين/ جاودان خرد- انتشارات سروش- 1382
- 98 - نصر- سيد حسين/ جوان مسلمان و دنياي متجدد- انتشارات طرح نو 1373
- 99 - نصر- سيد حسين/ در جستجوي امر قدسي - نشر ني - 1385
- 100 - نصر- سيد حسين/ قلب اسلام - انتشارات حقيقت - 1383
- 101 - والتر اوداينينگ- ولاديمير/ يونگ و سياست- ترجمه عليرضا طيب نشر ني- 1379
- 102 - يونگ- كارل گوستاو/ انسان و سمبل هايش- ترجمه ابوطالب صارمي- انتشارات اميركبير- 1352
- 103 - يونگ- كارل گوستاو/ چهار صورت مثالي- ترجمه پروين فرامرزي- انتشارات آستان قدس- 1368
- 104 - يونگ - كارل گوستاو/ روانشناسي ضمير ناخودآگاه - ترجمه محمد علي اميري - انتشارات و آموزش انقلاب اسلامي - 1372
- 105 - يونگ - كارل گوستاو/ روان شناسي و دين- ترجمه فواد روحاني- شركت سهامي كتابهاي جيبی/ 1354
- 106 - يونگ- كارل گوستاو/ روح و زندگي - ترجمه دكتور لطيف صدقياني- چاپ نيل- 1379
- 107 - يونگ- كارل گوستاو/ ضمير پنهان- ترجمه ابوالقاسم اسماعيل پور- انتشارات كاروان- 1384
- 108 - يونگ- كارل گوستاو/ ماهيت روان و انرژي آن- ترجمه پرويز اميدوار- انتشارات بهجت- 1374
- 109 - يونگ - كارل گوستاو/ مكتب روان شناسي تحليلي كارل گوستاو يونگ- ترجمه احمد اردوبادي - انتشارات دانشگاه پهلوي - 1354

